


Journal of  
**Comparative Law Review**  
(JCL)

DOI: 10.22059/JCL.2022.337153.634300

**Obligations and legal effects of Bailment in comparison  
with Yade Amani**

Mohammad Hadi Daraei<sup>1</sup> 

1. Assistant Professor, Judicial Sciences and Administrative Services University, Tehran, Iran. Email: [daraee@ujss.ac.ir](mailto:daraee@ujss.ac.ir)

Article Info	Abstract
<p><b>Paper Research:</b> Research Article</p> <hr/> <p><b>Received:</b> 2022/04/16</p> <p><b>Accepted:</b> 2022/08/29</p> <hr/> <p><b>Keywords:</b> <i>Bailment, Yade Amani, legal effects, obligations, lien right.</i></p>	<p>Bailment is one of the means of creating commitment in the common law that has been accepted by the judiciary. The limits of the bailment obligations and effects are disputed by the common law jurists, but there is agreement in some aspects. If we compare this institution with the institutions of Iranian law, perhaps the most similar one to it is the institution of Yade Amani, although there is no exact equivalent for it, especially since the criticism of the institution of Bailment in common law and its rejection by some jurists has been added to its ambiguity and some of them believe in the limited circle of examples of this institution. In a comparative study of the effects and obligations arising from the bailment, it is necessary to compare the examples of this institution with Iranian law. Because this institution does not have a specific equivalent in Iranian law and is relatively consistent with the broad theory of Yade Amani, but the examples of these two institutions are not the same, so it is necessary in addition to the general matching of the two institutions, partial comparison in the examples.</p>
<p><b>How To Cite</b></p>	<p>Daraei, Mohammad Hadi (2022). Obligations and legal effects of Bailment in comparison with Yade Amani. <i>Comparative Law Review</i>, 13 (2), 515-530.</p>
<p><b>Publisher</b></p>	<p>University of Tehran Press. </p>

دوفصلنامه

## مطالعات حقوق تطبیقی

سال ۱۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۶  
پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۵۱۵-۵۳۰

DOI: 10.22059/JCL.2022.337153.634300

### حدود تعهدات و آثار بیلمنت در مقایسه با نهاد ید امانی

محمدهادی دارائی<sup>✉</sup>

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: [darace@ujas.ac.ir](mailto:darace@ujas.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> پژوهشی	بیلمنت (Bailment) یکی از اسباب ایجاد تعهد در نظام کامن لا است که مورد پذیرش رویه قضایی واقع شده است. حدود تعهدات و آثار این نهاد مورد اختلاف حقوق دانان کامن لایی است، اما در برخی جنبه‌های آن وفاق وجود دارد. اگر این نهاد را با نهادهای حقوق ایران مقایسه کنیم، شاید شبیه‌ترین نهاد به آن، نهاد ید امانی باشد؛ هرچند به‌واقع معادل دقیقی برای آن وجود ندارد، به‌خصوص که انتقادات وارد بر نهاد بیلمنت در حقوق کامن لا و عدم پذیرش آن از سوی همه حقوق دانان، بر ابهامات آن افزوده است و برخی از آنها قائل به دایره محدود مصادیق این نهاد هستند. در مطالعه تطبیقی آثار و تعهدات ناشی از بیلمنت، ضروری است مصادیق این نهاد با حقوق ایران مقایسه شود. زیرا این نهاد دارای معادل مشخصی در حقوق ایران نیست و با نهاد گسترده ید امانی مطابقت نسبی دارد، اما مصادیق این دو نهاد واحد نیستند، لذا لازم است علاوه بر تطبیق کلی دو نهاد، تطبیق جزئی در مصادیق نیز انجام شود.
<b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۱/۰۱/۲۷	
<b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۱/۰۶/۰۷	
<b>کلیدواژه‌ها:</b> آثار حقوقی، بیلمنت، تعهدات، حق حبس، ید امانی.	
<b>استناد</b>	دارائی، محمدهادی (۱۴۰۱). حدود تعهدات و آثار بیلمنت در مقایسه با نهاد ید امانی. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۳ (۲)، ۵۱۵-۵۳۰.
<b>ناشر</b>	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



## مقدمه

اصطلاح بیلمنت در نظام کامن لا تقریباً معادل امانت یا ید امانی در حقوق ایران است و این شباهت ظاهری گاه سبب اشتباه نویسندگان فرهنگ لغات در ترجمه این واژه شده است و آن را عقد ودیعه یا کفالت یا ضمانت ترجمه کرده‌اند. حال آنکه بیلمنت هیچ‌یک از این سه عقد نیست، بلکه نزدیک‌ترین ترجمه برای آن، «ید امانی» است که البته شباهت این دو هم عمدتاً در مصادیق است و نه لزوماً در احکام و آثار. در خصوص مفهوم بیلمنت و وجوه شباهت آن با ید امانی و جایگاه بیلمنت در نظام کامن لا، عناصر آن (تصرف، لزوم استرداد، منقول بودن و تعیین موضوع بیلمنت، عدم استفاده از موضوع بیلمنت و نظایر آن)، تقسیمات بیلمنت و مصادیق مهم آن (مانند سفارش ساخت، ودیعه، تصدی به حمل و نقل، مهمانسرا، رابطه استخدامی، لقطه و کتابخانه) در مقاله‌ای دیگر به تفصیل سخن رفته است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بیلمنت عبارت است از «تحویل کالا به شخصی با هدف معین با این شرط که امین همان کالا را پس از پایان امر به امانت‌گذار یا شخصی که وی تعیین می‌کند تحویل دهد» (Benjamin, 1998: 50). بیلمنت می‌تواند ناشی از قرارداد باشد یا در اثر پذیرش ارادی کالای غیر پدید آید (Dobson, 1997: 545). بیلمنت دایره وسیعی از موضوعات را دربر می‌گیرد؛ برای مثال، اجاره‌کننده ماشین و خشکشویی، هردو امین محسوب می‌شوند (Beatson, 2010: 189) و یا آنچه در حقوق ما غصب حکمی است، در کامن لا یکی از انواع بیلمنت (unauthorised bailment) شمرده می‌شود (Clarke, 2005: 611). همین گستردگی دایره بیلمنت سبب شده است که برخی تصریح کنند که «مسئله مهم، معنای ادبی و لغوی بیلمنت نیست، بلکه حلقه روابطی که در آن تکالیف اصلی اعمال می‌شود، تعیین‌کننده این است که موضوع مطروحه بیلمنت هست یا نیست. در یک بیان عمل‌گرایانه، هر شخصی که آگاهانه کالای دیگری را تصرف کند، در نگاه اول یک امین تلقی می‌شود» (Chambers, 2016: 9).<sup>۲</sup> آنچه در این نوشتار مورد تدقیق قرار می‌گیرد، تعهدات طرفین بیلمنت (امین و مالک)، حدود

۱. هرچند تعاریف ارائه‌شده از بیلمنت اغلب شامل مصادیق قراردادی می‌شود، اما برخی حقوق‌دانان کامن لا به نحوی از بیلمنت سخن گفته‌اند که تقریباً معادل امانت قانونی در حقوق اسلامی است: «بیلمنت وقتی محقق می‌شود که شخصی کالای دیگری را تصرف و برای وی نگهداری کند و قانون شرایط نگهداری را تعیین نماید» (Dempster, 2004: 301). اما همان‌طور که بیان خواهد شد اکثر حقوق‌دانان کامن لا چنین توصیفی را از بیلمنت نپذیرفته‌اند. برای حقوق‌دانی که از خارج از نظام کامن لا به موضوع بیلمنت نگاه می‌کند، شاید تعریف فوق مناسب‌ترین تعریف به‌نظر برسد، زیرا مرزبندی دقیقی میان بیلمنت با حقوق قراردادهای و ضمانات قهری وجود دارد و ابهامی که حقوق‌دانان کامن لا به آن ادعان دارند، در این تعریف به‌چشم نمی‌خورد.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. دارائی، محمدهادی (۱۳۹۷). مقاله بررسی تأسیس bailment در نظام کامن لا و مطالعه تطبیقی با حقوق ایران. مجله حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، پاییز و زمستان، ۹ (۲)، ۶۱۷-۵۹۵.

مسئولیت امین، اسباب معافیت از مسئولیت و حق حبس است. تفاوت‌های مهمی در احکام بیلمنت و نهاد امانی بین کامن‌لا و فقه امامیه - و به تبع آن، حقوق ایران - وجود دارد؛ نظیر تفاوت در احکام استرداد مال مورد ید امانی یا تلف آن، تکلیف مالک به مطلع ساختن امین از عیوب کالا، و تفاوت در برخی اسباب معافیت.

### ۱. تعهدات طرفین

طرفین قرارداد بیلمنت، امین (Bailee) و امانت‌گذار [غالباً مالک] (Bailor) هستند. در ادامه تعهدات هریک را مورد بحث قرار می‌دهیم.

#### الف) تعهدات امین

در باب امانات به معنی اعم، دو دعوی اصلی مطرح است: اول آنجا که مورد امانت تلف یا معیوب می‌شود و مالک مدعی تقصیر امین است، و دوم آنجا که امین مدعی رد مال مورد امانت است، اما مالک انکار می‌کند. در فقه امامیه در خصوص ادعای اول، اجماع وجود دارد که امین منکر است و مالک باید تقصیر وی را ثابت نماید (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷: ۱۴۸) و این حکم مبتنی بر قاعده «الامین لا یضمن الا بالتعدی او التفريط» و نیز قاعده «لیس علی الامین الا الیمین» است که می‌توان برای آنها ریشه عرفی نیز یافت.<sup>۱</sup> باید توجه داشت که «مستودع مکلف است که از اقدام به هر عملی که مدخلیت در حفاظت مال داشته و آن را از معیوب شدن و تلف مصون می‌دارد فروگذار نکند» (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۴۰). در مورد دوم (ادعای استرداد)، برخلاف اولی، اجماع محقق نیست، بلکه نظر مشهور این است که در این فرض نیز مالک باید عدم استرداد را اثبات نماید (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷: ۱۴۸). دیدگاه غیرمشهور - اما به نظر نگارنده، اقوی -

۱. لازم به ذکر است که علی‌رغم ادعای اجماع فوق، برخی فقهای معاصر تأکید دارند که در عقود امانی ادعای تلف از امین مسموع نیست، بلکه باید این موضوع را اثبات نماید و برای دیدگاه خویش، ادله و استدلال‌های عقلی و نقلی ارائه داده‌اند (ر.ک. مکارم، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۷۴-۲۶۸). خلاصه استدلال چنین است که در روایات ناظر به امانت، این واژه گاه در مقابل غضب است و گاه به معنی وثوق و این اشتراک لفظی اغلب سبب خطای فقها در تحلیل شده است. آنچه از ادله استنباط می‌شود این است که در اموال، اصل بر احترام است (قاعده احترام اموال) و لذا در صورت تلف، ضمان وجود دارد، مگر با دلیل خارج شود یا شخص ثقة مأمون باشد؛ یعنی مالک وی را امین قرار داده باشد (با شرط ضمن عقد). و در نهایت خلاصه استدلال خویش را به این نحو تقریر و تلخیص می‌نمایند: «فلا تقبل دعوی التلف من المستعیر و الأجير و الودعی و غیرهم، و لو قبل ذلك لم یستقر حجر علی حجر، نعم إذا كانوا غیر متهمین أو كان هناك قرائن خارجیه علی عدم الاتهام یقبل قولهم، و الحاصل ان المسئله أوضح من ان یحتاج الی بحث کثیر، و لعل وقوع الخلط بین الامانة بالمعین فی کلماتهم صار منشأ لکثیر من الأقوال المخالفة» (مکارم، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۷۴).

این است که در این فرض، امین باید استرداد را ثابت کند و مالک منکر است، زیرا امین ادعای رد دارد که امر وجودی است و اثبات هر امر وجودی با مدعی آن است؛ درحالی که در مورد اول (ادعای تقصیر)، مالک است که باید وجود تقصیر را که امر وجودی است ثابت کند. نظر اغلب فقهای عامه این است که در عقد ودیعه، تلف و رد حکم واحدی دارند، اما در عقود نظیر عاریه و مضاربه که مستعیر و عامل خودشان منتفع هستند، ایشان را مدعی رد قلمداد می‌کنند (لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۶۳).

در نظام کامن‌لا هنگام ورود خسارت به کالا، امین در صورت تقصیر، ضامن است (Perillo, 260: 2004) و در این زمینه مشابه حقوق امامیه و ایران، به لحاظ ثبوتی ید امین امانی است. اما نقطه افتراق در بار اثبات است. در نظام کامن‌لا، بار اثبات عدم تقصیر در ورود خسارت به کالای امانی برعهده امین است (Benjamm, 1998: 296). در واقع فرض تقصیر امین مورد پذیرش قرار گرفته است، با این توجیه که «وقتی کالایی در ید امین گم شود، خسارت ببیند یا تلف شود، غالباً برای امانت‌گذار غیرممکن است که ادله کافی ارائه دهد که امین در مراقبت مرتکب تقصیر شده است. لذا قانون با فرض تقصیر امین، به امانت‌گذار کمک کرده است» (Mann, 1998: 1018). بنابراین امانت‌گذار صرفاً باید اثبات کند که کالای معین در قالب بیلمنت به امین تحویل شده و وی آن را مسترد نکرده و یا در وضعیت خسارت‌دیده بازگردانده است (Birks, 2000, V2: 384). اما در حقوق امامیه اثبات تقصیر برعهده مالک است و علاوه بر روایات خاصی که در این باب وارد شده و نیز عرف و سیره عملی عقلا، دلایل دیگری نیز برای عدم ضمان امین اقامه گردیده است: ۱- امین، محسن است و به لحاظ شرعی و عقلی، محسن ضامن نیست (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۱۲). ۲- «اگر امین ضامن باشد، سد باب استیمان می‌گردد و لازمه آن، عسر و حرج است که در شریعت اسلام نفی شده است». ۳- گفته شده است که ضمان امین حکمی است ضرری، و حکم ضرری در شریعت اسلام نفی شده است. ۴- اذن مالک یا شارع به قبض مال، بر عدم ضمان امین دلالت التزامی دارد (گرجی، ۱۳۸۷: ۲۳۵). ۵- به نظر نگارنده آنچه در میان روایات وارد در این باب واجد اهمیت و نکات ظریف عملی است، روایاتی نقل شده از نبی مکرم اسلام (ص) و امام

۱. البته مشخص است که این دلیل اخص از مدعاست و صرفاً ناظر بر ودیعه است و در سایر موارد ید امانی نظیر اجاره و عاریه، احسان منتفی است؛ لذا مقرر استدلال یادشده خود به آن واقف بوده، هرچند برخی نویسندگان که این استدلال را آورده‌اند، این نکته از نظرشان مخفی مانده است.

۲. دلیل سوم برای ما روشن نیست، زیرا ضمان امین تنها در فرض ورود خسارت به مال مورد امانت مطرح می‌شود، یعنی آنجا که به مالک ضرر وارد شده است؛ پس اگر قائل به عدم ضمان امین باشیم نیز به مالک ضرر وارد می‌شود، بنابراین با دلیل سوم نمی‌توان عدم ضمان امین را توجیه کرد، زیرا دو ضرر برخورد کرده، تساقط پیش می‌آید.

صادق (ع) است. عبارت وارد در روایتی که امام صادق از نبی اکرم علیهم السلام نقل می‌فرماید، چنین است: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَتَّهَمَ مَنْ قَدِ اتَّهَمْتَهُ وَ لَا تَأْتَمِنَ الْخَائِنَ وَ قَدْ جَرَّبْتَهُ». روایتی نیز با مضمون مشابه از امام صادق (ع) آمده است که می‌فرماید: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَأْتَمِنَ مَنْ خَانَكَ وَ لَا تَتَّهَمَ مَنْ اتَّهَمْتَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۸۱). روایت دیگری نیز در همین راستا وجود دارد که در تفسیر این دو روایت ما را یاری می‌رساند. حضرت جعفرین محمد علیهم السلام می‌فرماید: «لَمْ يَخُنْكَ الْأَمِينُ وَ لَكِنَّكَ اتَّهَمْتَ الْخَائِنَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۸۰). این سه روایت و برخی روایات مشابه، گویای یک واقعیت عملی در عرصه روابط مالی هستند که لازم است پیش از سپردن مال به هر شخص، از امانت‌داری وی اطمینان حاصل شود؛ لذا پس از سپردن مال به امین، نمی‌توان وی را متهم به خیانت، تعدی و تفریط نمود، زیرا سپردن مال حاکی از پذیرش و اقرار و تمکین مالک به امانت‌داری امین است و اگر بعدها منکر این اقرار عملی خویش شود، باید خلاف آن را ثابت نماید و گرنه امانت‌داری امین استصحاب می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که پس از ائتمان، اتهام منتفی است، مگر خلاف آن ثابت شود.

در خصوص دعوی استرداد، مهم‌ترین تعهد امین بازگرداندن فوری کالا در پایان بیلمنت است. در صورتی که امین بدون تقصیر تأخیر کند، ضامن نخواهد بود، اما در سایر حالات، بر مبنای ضمان قهری (tort) ضامن است (West's Encyclopedia of American Law, 2005: 446). در برخی اقسام بیلمنت نظیر یافتن کالا یا سرقت، امین مکلف به تلاش برای یافتن مالک است (Clarke, 2005: 651). در حقوق امامیه مسئله تکلیف به استرداد را باید در خصوص امانت مالکی و شرعی به‌طور مستقل مورد بحث قرار داد. در امانت مالکانه، امین تا قبل از مطالبه مالک مکلف به استرداد نیست و پس از مطالبه، مکلف به رفع ید و تخلیه موانع بین مالک و عین است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۶: ۲۰۹). مواد ۶۱۶ و ۶۳۱ ق.م. و ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲ نیز همین حکم را تأیید می‌کنند. اما در امانت شرعی بسیاری از فقها معتقدند که وجوب رد، یک تکلیف فوری است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۸۵). در مقابل، دیدگاه برخی فقها این است که وجوب رد فوری امانت شرعی مشروط به تمکن است. حتی از برخی فقها نقل شده است که امین شرعی تنها مکلف به اعلام به مالک است، زیرا تصرف وی عدوانی نیست و غاصب تلقی نمی‌شود و مکلف کردن امین شرعی به استرداد فوری و بدون طلب مالک، محتاج دلیل است و عرف نیز چنین الزامی را نمی‌پذیرد (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۷: ۱۹۵).<sup>۱</sup>

۱. نظریات فقها در باب تکلیف امین شرعی به رد، به صورت زیر قابل تلخیص و تفکیک است: گروه اول امین را مکلف به رد، و گروه دوم مکلف به دفع دانسته‌اند؛ یعنی امین باید موانع بین مالک و ملک را تخلیه کند و برخی حقوق‌دانان ما نیز همین دیدگاه را دارند (امامی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۶۷). گروه سوم، امین را صرفاً مکلف به اعلام به مالک می‌دانند. از جمله استدلال‌های گروه سوم این است که جایز نیست امین مال را به مالک رد

نکته قابل توجه در نظام کامن لا و در باب استرداد این است که اگر امین، کالای مورد امانت را اشتبهاً به شخص دیگری مسترد کند، ضامن است؛ حتی اگر تقصیر امانت‌گذار سبب این اشتباه باشد و تحویل به شخص غیرصالح، ضمان آور بوده، در برخی موارد می‌تواند جرم تلقی شود (Mann, 1998: 1017). در حقوق امامیه با اینکه نظر مشهور در میان فقها این است که در دعوی استرداد، مالک مدعی محسوب می‌شود، اما در فرضی که امین کالا را به غیر مالک تحویل دهد و مدعی إذن مالک باشد، اما مالک انکار کند، گفته می‌شود که «قول مالک با یمین مقدم است و دلیل آن، عموم البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر است و بعلاوه قول مالک موافق با اصل است» (اصل عدم رد؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۷: ۱۴۸).

### ب) تعهدات مالک

در فرضی که بیلمنت مجانی است، مهم‌ترین تعهد مالک این است که اگر از نقص یا عیبی در کالای موضوع بیلمنت مطلع است، آن را به امین اطلاع دهد. البته از پرونده «Donoghue v Stevenson»<sup>۱</sup> استنباط شده است که در بیلمنت مجانی اگر مالک از نقص کالا مطلع نباشد، اما مراقبت متعارف را برای اطمینان از خطرناک نبودن کالا به عمل نیاورد، ضامن است (Keenan, 2001: 545).

در فرض معاوضی بودن بیلمنت، تعهداتی برای مالک پیش‌بینی شده است. اولاً وقتی شخصی مالی را تحت یکی از عناوین بیلمنت واگذار می‌کند، این تضمین ضمنی وجود دارد که وی مالک است و لذا کسی مزاحم تصرفات امین نخواهد شد. به‌علاوه وی به‌طور ضمنی تعهد کرده که کالای موضوع بیلمنت برای آنچه منظور امین بوده، مناسب است. بنابراین، هرچند مالک ضامن تمامی نقایص کالا نیست، اما نسبت به نقایصی که با مهارت و مراقبت قابل رفع هستند، ضامن است. به‌علاوه مالک نسبت به عیوبی که برای امین آشکار بوده است، ضامن نخواهد بود (Keenan, 2001: 545).

در حقوق امامیه و ایران، در هریک از عقود امانی تعهدات ویژه‌ای برای مالک پیش‌بینی شده است که هریک نیاز به بحث مفصل دارد. در عقد ودیعه تعهدات مالک همان است که در مواد ۶۳۳ و ۶۳۴ پیش‌بینی شده است: پرداخت مخارج حفظ مال مورد امانت و پرداخت مخارج استرداد. به‌علاوه ماده ۶۳۹ مقرر نموده است که اگر در مال مورد ودیعه عیوبی باشد که موجب

کند، زیرا مستلزم تصرف در مال غیر بدون إذن اوست؛ لذا معتقدند اگر در مسیر رد، کالا آسیبی ببیند امین ضامن است (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۷: ۱۹۶). در همه صور سه‌گانه پیش‌گفته، برخی وجوب رد یا دفع یا اعلام را منوط به عدم اطلاع مالک دانسته‌اند (حلی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۷) و برخی معتقدند خواه مالک از وضع ید امین شرعی بر مالش مطلع باشد یا نباشد، امین مکلف به رد یا دفع اعلام است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۸۵).

1. [1932] AC 562 Appellant.

ورود خسارت به امین شود، مالک مسئول نیست، مگر اینکه عرفاً مسبب باشد و این حکم در سایر عقود امانی جاری است. برخی حقوق دانان با أخذ ملاک از این ماده معتقدند که یکی از صور تسبیب عرفی آن است که مالک از عیب آگاه بوده، ولی نگفته باشد (امامی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۷۷)؛ در مقابل، عده‌ای معتقدند که مالک الزامی ندارد که امین را به عیوب آگاه سازد و چنانچه خسارتی وارد شود، مسئول نیست (حائری شاه‌باغ، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۷۴). به نظر می‌رسد اطلاع از عیوب و آگاه نکردن امین از آنها، از مصادیق بارز تقصیر است و عرف در این باره قاطع است.

## ۲. حدود مسئولیت امین

در باب مسئولیت امین، گفته شده که در نظام کامن‌لا نیز همانند حقوق امامیه، امین صرفاً در صورت تقصیر ضامن است، لذا به لحاظ ثبوتی تفاوتی ندارند. آنچه نقطه افتراق این دو نظام است، مرحله اثبات است، زیرا در حقوق امامیه این مالک است که باید تقصیر امین را اثبات نماید، اما در نظام کامن‌لا امین باید عدم تقصیر خویش و انجام تکالیف ناظر به مراقبت را ثابت کند. برای تعیین حدود مسئولیت امین ضروری است به مهم‌ترین تقسیم‌بندی نظام کامن‌لا از بیلمنت اشاره کنیم که مبتنی بر اثر بیلمنت است و با هدف تعیین میزان مسئولیت‌های طرفین و حدود تکلیف به مراقبت ایشان ارائه شده است. این تقسیم‌بندی برآمده از رویه قضایی بوده و تاکنون مبنای کار دادگاه‌های کامن‌لا است<sup>۱</sup> (الف) امانت‌هایی که تنها به نفع امانت‌دهنده است و در لاتین «depositum» خوانده می‌شود، در حقوق ایران با عنوان عقد ودیعه مطالعه می‌گردد. در این قسم، امین فقط در صورت تقصیر سنگین مسئول خواهد بود. البته دیدگاه مخالف نیز در این باب وجود دارد که امین را حتی در صورت عدم تقصیر، مسئول می‌داند. هنوز رویه قضایی مشخصی در این باب وجود ندارد و قضاات دارای دیدگاه‌های متفاوتی هستند، اما اکثر نویسندگان حقوقی، دیدگاه اول را پذیرفته‌اند و رویه قضایی جدید نیز به این دیدگاه گرایش بیشتری دارد (Howe, 2016: 10; Alden, 2016: 688)<sup>۲</sup>. در حقوق اسلامی اجماعی است که ید مستودع امانی می‌باشد (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۷: ۲۱۷؛ الزحیلی، ۲۰۰۸، ج ۴: ۷۱۳).

(ب) امانت‌هایی که مالک، کالا را برای استفاده امین در اختیار وی قرار می‌دهد و به اصطلاح

۱. در برخی آثار ادعاشده تمایز اقسام بیلمنت بر مبنای میزان مسئولیت، از میان رفته یا کم‌رنگ شده است (Birks, 2000, V2: 376). اما بررسی نویسنده این سطور در آثار جدید نیز نشان می‌دهد که این تقسیم همچنان

مهم‌ترین ملاک تمییز انواع بیلمنت و تشخیص میزان مسئولیت امین است.

۲. در برخی آثار گفته شده است که در فرضی که امانت نفع دوجانبه داشته باشد، امین تکلیف به مراقبت متعارف دارد و اگر فقط امانت‌گذار منتفع باشد، تکلیف به مراقبت امین کمتر از سطح متعارف است و اگر فقط امین منتفع باشد، تکلیف به مراقبت از سطح متعارف بیشتر است (Mann, 1998: 1018).



«commodatum» نامیده می‌شود و قرار بر این است که عین آن استرداد شود و در حقوق ایران ذیل مباحث عاریه قرار می‌گیرد. در این فرض، بیلمنت در جهت تأمین منافع امین است، لذا سطح بالاتری از مراقبت لازم است و امین حتی در صورت ارتکاب تقصیر سبک، ضامن است (McMeel, 2004: 251). این دقیقاً برخلاف نظر اجماعی در حقوق امامیه (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۵: ۱۸۴) و حکم قانون مدنی ایران است که بر اساس قاعده لایضمن، امین را فقط در صورت تعدی و تفریط ضامن می‌دانند. ماده ۶۴۰ قانون مدنی ایران تصریح دارد که در عاریه— که به نفع مستعیر است— امین در صورت تقصیر ضامن است، مگر در عاریه طلا و نقره که مضمونه است (ماده ۶۴۴ ق.م.). این دیدگاه نظام کامن‌لا مشابه دیدگاه پذیرفته‌شده در مکتب حنابله است که مستعیر را مطلقاً ضامن می‌دانند. به‌علاوه فقهای شافعی نیز اصل را بر مضمونه بودن عاریه دانسته‌اند (الزحیلی، ۲۰۰۸، ج ۴: ۷۳۶ و ۷۳۷).

ج) امانت کالاها به‌منظور استفاده امانت‌گیرنده در قالب اجاره که اصطلاح لاتین آن «locatio conductio» است و حکم آن نظیر قسم دوم است. در حقوق ایران ید مستأجر امانی است و لذا مستأجر فقط در فرض تقصیر ضامن است (ماده ۴۹۳ ق.م.)

د) در این قسم، امانت‌دهنده پولی به امانت‌گیرنده قرض داده است و وی در قبال آن کالایی را به رهن می‌گذارد و آن را در لاتین «vadium» و در انگلیسی «pledge» یا «pawn» خوانده‌اند که در حقوق ما ذیل مباحث رهن قرار دارد و امین مکلف به مراقبت عادی است (McMeel, 2004: 250). در فقه امامیه ید مرتهن بر عین مرهونه امانی دانسته شده (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۵: ۲۵۸) و پس از فک رهن در خصوص مالکی یا شرعی بودن امانت، اختلاف است (لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۳۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۶۸۶). در فقه عامه غیر از فقهای حنفی که ید مرتهن را— به استناد برخی احادیث ضعیف‌السند— ضمانی دانسته‌اند، سایر جمهور قائل به امانی بودن ید مرتهن هستند (الزحیلی، ۲۰۰۸، ج ۵: ۱۵۶).

ه) قسم پنجم، شامل مواردی است که کالا به‌منظور حمل یا ایجاد تغییر در قبال پرداخت اجرت در اختیار امانت‌گیرنده قرار می‌گیرد و وقوع تقصیر عادی سبب مسئولیت خواهد بود (McMeel, 2004: 251). در حقوق ایران این قسم را حسب مورد می‌توان در قالب مباحث اجاره اشخاص (اجاره خدمه و کارگران موضوع مواد ۵۱۲ تا ۵۱۸)، جعاله و استصناع (سفارش ساخت)<sup>۲</sup> بررسی کرد که در اجاره اشخاص و نیز جعاله، ید امانی است. اما اگر عقد استصناع را

۱. فقهای حنفی، ید مرتهن بر مال مرهونه را تا میزان طلبش، ضمانی دانسته، نسبت به مازاد بر طلب، امانی می‌دانند (الزحیلی، ۲۰۰۸، ج ۵: ۱۵۶).

۲. در خصوص ماهیت قرارداد سفارش ساخت اختلاف نظر فراوانی وجود دارد و دامنه اختلاف از بیع سلف تا صلح و نداشتن ماهیت خاص امتداد دارد.

عقد مستقلی بدانیم که مواد اولیه متعلق به سازنده است، بحث امانی یا ضمانی بودن ید سازنده مطرح نیست، زیرا تا زمان تحویل، ید وی مالکانه است.

و) کالا به منظور حمل یا ایجاد تغییر به طور مجانی در اختیار امانت‌گیرنده قرار داده شود (Clarke, 2005: 649) که این موضوع در حقوق مدنی ایران تقریباً مشابه مباحث استیفای مشروع از عمل غیر است. در این قسم، اگر امین متعهد شده باشد، تقصیر عادی وی موجب ضمان است، اما اگر تعهدی در قبال امانت‌گذار نداده باشد، تنها در صورت ارتکاب تقصیر سنگین ضامن خواهد بود، زیرا امانت‌گذار است که از بیلمنت منتفع می‌شود (McMeel, 2004: 251). در حقوق امامیه و ایران نیز این قسم امانی هستند؛ خواه در قالب اجاره اشخاص باشند و یا جعاله و یا استصناع.

ز) تقسیم‌بندی ششم تا سال ۱۹۹۴م ثابت بود، اما در این سال و با رأی صادره در پرونده «The Pioneer Container»<sup>۱</sup> قسم هفتمی به آن افزوده شد (Clarke, 2005: 649 & 650)؛ یعنی آنجا که شخصی به صورت عمدی کالای دیگری را تصرف کند، حتی اگر مالک مطلع نباشد، یابنده کالا و سارق نیز مشمول احکام بیلمنت خواهند بود<sup>۲</sup> (Ibid). در حقوق امامیه بین یابنده و سارق تفاوت بسیار است؛ یابنده امین شرعی و ید وی امانی است، و سارق، غاصب عدوانی محسوب می‌شود و یدش ضمانی و مسئولیت عینی برعهده وی است.

در پایان بحث راجع به مسئولیت امین و تقسیمات بیلمنت، لازم است به برخی مطالب اشاره شود. اول اینکه در صورت‌های پیش‌گفته هرگاه در باب تعهدات امین توافقی وجود داشته باشد و امین از شروط قراردادی تخطی نماید، در قبال خسارات وارد بر کالا مسئولیت مطلق خواهد داشت. مثلاً اگر برای استرداد مال مورد بیلمنت مهلتی تعیین شده باشد و امین در موعد مسترد نکند، ضامن خسارات وارده بر مورد بیلمنت است، حتی اگر تقصیری مرتکب نشده باشد (Dobson, 1997: 548)<sup>۳</sup>. همچنین سارق پشیمان و نیز یابنده‌ای که اقدامی در جهت یافتن مالک انجام نمی‌دهند، مسئولیت مطلق دارند (Clarke, 2005: 651). به‌علاوه اگر امین در مراقبت از کالا دقت کافی به عمل آورد، اما کالا سرقت شود، وی وظیفه دارد این موضوع را به مالک اطلاع دهد در غیر این صورت مسئول خواهد بود (Dobson, 1997: 547 & 548)<sup>۴</sup>. در فقه امامیه و حقوق ایران نیز امین مکلف به رعایت ترتیبات مقرر از سوی مالک است و در صورت تخطی، ید امانی وی تبدیل به ید ضمانی می‌شود و مسئولیت مطلق دارد و ضامن هرگونه خسارت وارده بر کالا است، حتی اگر مرتکب تقصیر نشده باشد (مواد ۶۱۲، ۶۱۳ ق.م).

1. [1994] 2 AC 324

۲. این نکته قابل توجه است که اگر متصرف از وجود مالک آگاه نباشد، خواه به این علت که خود را مالک فرض می‌کند یا شخص دیگری را مالک می‌داند، رابطه مالک و متصرف تابع احکام بیلمنت نخواهد بود (Clarke, 2005: 650).

3. Shaw & Co. v. Symmons & Sons [1917] 1 K.B. 799.

4. Coldman v. Hill [1919] 1 K.B. 443.

مطلب دوم این است که در نظام کامن لا در فرض امانت غیرارادی یعنی نظیر فرضی که به شخصی اشتبهاً مالی داده می‌شود و مشخص می‌شود مال وی نبوده است، امین مسئولیتی ندارد، مگر اینکه عمداً به مال خسارت وارد نماید. در حقوق ایران این موضوع ذیل عنوان ایفای ناروا در مواد ۳۰۱ و ۳۰۵ مطرح شده و أخذ بر اساس قاعده ضامن ید (علی الید ما اخذت حتی تودیه) ضامن است و حسب اینکه بر موضوع ناروا بودن، عالم یا جاهل باشد، أخذ وی مشمول عنوان غصب موضوعی یا حکمی خواهد بود.

نکته سوم این است که معیار ارزیابی متعارف یا غیرمتعارف بودن اقدامات امین، نوعی است (Keenan, 2001: 547)؛ لذا اثبات اینکه سطح مراقبت وی از کالاهای خویش، پایین‌تر از سطح نوع مردم است و از کالای موضوع بیلمنت نیز در همان حد مراقبت کرده است، تأثیری در مسئولیت وی نخواهد داشت و قاضی بر مبنای معیار نوعی، راجع به مقصر بودن یا نبودن وی تصمیم می‌گیرد.

مسئله قابل توجه دیگر اینکه برخی حقوق‌دانان ایرانی نیز مسئولیت را بر مبنای نفع طرفین بررسی کرده، می‌گویند: «عاریه‌گیرنده ... تکلیف نگهداری او سخت‌تر است، ولی سپرده‌گیر اگر به گونه رایگان خدمتی به سپرده‌گذار انجام می‌دهد تکلیف او سبک‌تر است... مسئول نبودن سپرده‌گیر در قانون مدنی ویژه ودیعه رایگان است. ولی هنگامی که ودیعه با دستمزد است به یک قرارداد دوجانبه تبدیل و مقررات دیگری بر سپرده‌گیر بار می‌شود» (کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۶۴ و ۱۶۵) و برای اثبات سخن خویش به تغییر برخی مقررات نظیر مقررات ناظر بر انبارهای عمومی و متصدیان حمل و نقل که ید ایشان را امانی نمی‌داند، استناد کرده‌اند. به نظر می‌رسد که استناد به مقرراتی که حالت استثنایی دارند برای قائل شدن به نسخ قاعده‌ای نظیر قاعده استیمان کافی نباشد و این‌گونه مقررات را باید استثنایی بر پیکره یک قاعده اصیل و دارای ادله محکم عقلی و نقلی بدانیم.

آخرین مطلب این است که پایان بیلمنت قاعدتاً سبب اتمام مسئولیت امین می‌شود. بیلمنت حسب نوع آن به اسباب زیر خاتمه می‌یابد: ۱- وصول به هدف موردنظر (اجرا)؛ ۲- توافق طرفین؛ ۳- به اراده یکی از طرفین در صورت نقض تعهدات از جانب طرف مقابل (Emerson, 2004: 457)؛ ۴- اگر مدت بیلمنت نامعین بود، با اراده هریک از طرفین و ابلاغ به طرف دیگر (West's Encyclopedia of American Law, 2005: 446)؛ ۵- انقضای مدت وقتی که طرفین به نحو صریح یا ضمنی برای بیلمنت مدت تعیین کرده باشند (Emerson, 2004: 457)؛ ۶- تلف مال مورد امانت یا عدم قابلیت استفاده از آن برای هدف موردنظر از بیلمنت؛ ۷- به حکم قانون نظیر مرگ یا حجر یا ورشکستگی امین یا سایر اسبابی از این قبیل که اجرای تعهد را غیرممکن نماید (Ibid).

### ۳. اسباب معافیت از مسئولیت

مواردی وجود دارد که در صورت وقوع، سبب معافیت (اعم از دفع و رفع) امین می‌شود که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد:

**الف) قوای قاهره**

در نظام کامن لا اثبات قوه قاهره امین را از مسئولیت معاف می‌کند. البته در پرونده‌ای که شخص ثالث کالای تحت تصرف امین را آتش زده بود، دادگاه اعلام کرد که معافیت امین منوط به اثبات این است که وی از قبل تمام تدابیر پیشگیرانه متعارف را اتخاذ نموده باشد؛<sup>۱</sup> نظیر همین دیدگاه در فرضی که کارمند امین، مال مورد امانت را سرقت کرده باشد بیان شده، زیرا لازم است امین در انتخاب کارمندش دقت لازم را به کار گرفته باشد (Dobson, 1997: 547)؛<sup>۲</sup> بنابراین به نظر می‌رسد حتی در صورت وقوع قوه قاهره نیز فرض بر مسئولیت امین است مگر اینکه اتخاذ تدابیر پیشگیرانه متعارف اثبات شود. در حقوق ایران باید بین اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و اثبات آن قائل به تفکیک شد تا طرح بحث به شایستگی انجام گیرد. اولاً امین مکلف به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای جلوگیری از ورود ضرر به مال است؛ مثلاً «در صورتی که مستودع بتواند وسایلی برای حفظ ودیعه از دستبرد شخص قاهر فراهم سازد و کوتاهی کند، ضامن است» (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۴۰). ثانیاً به لحاظ اثباتی، امین نیازی به اثبات تدابیر پیشگیرانه ندارد، بلکه مالک باید اثبات نماید که امین مرتکب تقصیر شده و یکی از صور تقصیر این است که امین تدابیر پیشگیرانه متعارف برای جلوگیری از ورود خسارت را اتخاذ نکرده باشد. این حکم از مواد مختلف ق.م. قابل استخراج است. برای مثال، ماده ۶۱۵ مقرر نموده است: «امین در مقام حفظ، مسئول وقایعی نمی‌باشد که دفع آن از اقتدار او خارج است». بنابراین، اگر دفع یا رفع واقعه‌ای داخل در حیطة اقتدار امین باشد و وی اقدام نکند و کالا خسارت ببیند، ضامن است.

**ب) تقصیر مالک**

تقصیر مالک در ورود خسارت به مال مورد امانت، سبب معافیت امین می‌شود (غالباً تقصیر مالک در صورت جمع شرایط می‌تواند به عنوان زیرمجموعه قوه قاهره مورد بحث قرار گیرد، اما به لحاظ طرح مستقل این موضوع در آثار حقوقی کامن لا، ما نیز آن را تحت عنوانی مستقل بررسی نمودیم). البته در این خصوص رأی صادر شده است که ظاهراً با مطلب پیش‌گفته تعارض دارد: در پرونده «Shacklock» علیه «Elthorpe Ltd» خواهان یک جواهر به ارزش ۶۰۰ پوند را با خود به هتل آورد و آن را در چمدان لباسش قرار داد اما در اتاق خویش را موقع خروج قفل نکرد و جواهر به سرقت رفت. دادگاه عمل مالک را تقصیر ندانست و هتل را مسئول قلمداد کرد (Dobson, 1997: 552). تنها توجیه تصمیم دادگاه می‌تواند این باشد که مدیر هتل را نسبت به تمام محیط هتل مسئول قلمداد کرده است و لذا حتی باز ماندن درب اتاق از مسئولیت هتل نسبت به تأمین امنیت تمام فضای هتل، اعم از اتاق‌ها و راهروها، نمی‌کاهد.

1. Sutcliffe v. Chief Constable of West Yorkshire [1996] R.T.R. 86.

2. Williams v. Curzon Syndicate Ltd [1919] 35 T.L.R. 475.

**ج) درج شرط معافیت**

می‌توان با درج شرط، مسئولیت امین را محدود کرد یا گسترش داد (Benjamin, 1998: 297). اما شرط محدودکننده در همهٔ مواضع مؤثر نیست؛ زیرا آنجا که بیلمنت مبتنی بر قرارداد است، این شرط صرفاً وقتی مؤثر است که امین کالاها را مطابق شروط قراردادی نگهداری کرده باشد (Beatson, 2010: 189). به‌علاوه شرط محدودکننده باید صریحاً به اطلاع مالک برسد و وی از محدود شدن مسئولیت امین مطلع گردد. لذا اگر تعمیرکار خودرو روی دیوار تعمیرگاه تابلویی مبنی بر محدود نمودن مسئولیت خویش نصب کرده باشد، کفایت نمی‌کند (Mann, 1998: 1019). اگر در قرارداد، شرط محدودکننده قید شده باشد و سایر شرایط فراهم باشد، امین مسئول نیست؛ حتی اگر مقصر باشد (Dobson, 1997: 550).<sup>۱</sup> البته شروط معاف‌کننده به‌موجب «قانون شروط قراردادی غیرمنصفانه ۱۹۷۷»<sup>۲</sup> باید معقول باشد. از این رو، در پروندهٔ «Woodman» علیه «Photo Trade»<sup>۳</sup> خواهان از مراسم عروسی عکس گرفت و فیلم را برای ظهور به خواننده داد، اما اکثر عکس‌ها خراب شد. در قرارداد این شرط وجود داشت که در صورت ورود هرگونه خسارت، جبران خسارت محدود به جایگزینی با یک حلقه فیلم خام است. اما دادگاه این شرط را به دلیل غیرمعقول بودن، بی‌اثر دانست (Dobson, 1997: 550). در حقوق ایران نیز راجع به شرط کاهش یا افزایش مسئولیت می‌توان پذیرفت که «هرچند مادهٔ ۶۱۴ قانون مدنی سپرده‌گیر را در صورت تعدی و تفریط ضامن دانسته است، ولی طرفین می‌توانند میزان مراقبت کمتری را توافق کرده و یا حتی مسئولیت سپرده‌گیر را حذف کنند مگر در مورد تدلیس یا خطای سنگین» (کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۶۵). البته روشن است که شرط معافیت یا افزایش یا کاهش مسئولیت در جایی که ناشی از خطای عمدی باشد، قابل پذیرش نیست.

**۴. حق حبس**

در نظام کامن‌لا، امین دارای حق حبس (lien) نسبت به کالای مورد امانت است؛ به این معنا که اگر مثلاً کالایی برای تعمیر یا حمل به امین تحویل شود، وی می‌تواند تا وقتی که هزینهٔ تعمیر یا حمل را دریافت نکرده، از استرداد آن امتناع کند (Keenan, 2001: 587). در حقوق ایران نیز برخی مقررات چنین حقی را برای امین پیش‌بینی کرده‌اند.

۱. مثلاً در پروندهٔ «rutter» علیه «Palmer» (87 [1922] 2 K.B.) خواهان خودرو خود را جهت فروش در اختیار گاراژ قرار داد تا به‌عنوان حق‌العمل کار به‌فروش برساند. یکی از شروط قرارداد این بود که «وقتی حق‌العمل کار خودرو را جهت بازدید برای یک خریدار احتمالی می‌فرستد، مسئولیت آن صرفاً برعهدهٔ فروشنده است». در جریان ارسال، تصادفی واقع شد و خودرو آسیب دید و رانندهٔ گاراژ مقصر شناخته شد. دادگاه با توجه به شرط قراردادی، گاراژدار را از مسئولیت معاف دانست (Dobson, 1997: 550).

2. Unfair Contract Terms Act 1977

3. [1981] 131 N.L.J. 933.

به نظر نگارنده مقاله، اولاً در عقود امانی - معاوضی نظیر اجاره، در جواز حبس (مستأجر) امین تردیدی نیست، زیرا حق حبس قاعده عام در معاوضات است (اعم از عقود معاوضی و معاوضات غیر قراردادی)؛ برای مثال، اجیری که بابت تعمیر ساعت طلبکار است، می‌تواند ساعت را تا وصول طلب حبس کند. ثانیاً در خصوص حبس مال مورد ودیعه باید میان دو گونه طلب قائل به تفکیک شد: هرگاه طلب مستودع از مودع بابت عقد ودیعه باشد (مثل طلب ناشی از هزینه‌های نگهداری عین مستودعه) یا ودیعه با عوض باشد - بنا به این فرض که عوض در ودیعه را بپذیریم - امین حق حبس دارد. اما اگر طلب ناشی از عقد ودیعه نباشد، اساساً مسئله حق حبس مطرح نمی‌شود، زیرا حق حبس از رابطه قراردادی یا غیر قراردادی واحد برمی‌خیزد، لذا آنچه در اینجا مطرح است، حق تقاص<sup>۲</sup> است. بنابراین باید پرسید که آیا مستودع حق تقاص از مال ودعی را دارد؟ میان فقهای عظام امامیه درباره جواز تقاص از مال مورد ودیعه دو دیدگاه وجود دارد که ظاهراً قول مشهور عدم جواز است و در این خصوص روایاتی نیز نقل شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۷۷). در میان حقوق دانان ما نیز برخی تصریح دارند که امانی بودن مانع تقاص نیست، «زیرا با حصول عناصر تقاص، حق المقاصه محقق می‌شود. بحث در این است که امانت نهادن مال نزد من له حق المقاصه، رافع آن حق می‌تواند باشد یا نه» (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۳۴۱) و با نبود دلیل رفع آن، حق به قوت خود باقی است.

۱. برخی استادان حقوق گفته‌اند که «حق حبس از ماهیت تقاص خارج است زیرا حق حبس در بیع (مثلاً ناشی از اصول موازنه است» (لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۹۷)، اما دقیقاً روشن نکرده‌اند که مرز این دو چیست. به نظر می‌رسد رابطه این دو (حبس و تقاص) به لحاظ مفهومی و مصداقی تبیین است. می‌توان گفت که دو حد فاصل اصلی میان این دو (حق حبس و تقاص) وجود دارد. تفاوت اول در منشأ است؛ حق حبس ناشی از رابطه قراردادی یا غیر قراردادی (نظیر حق حبس غاصب در فرضی که بدل حیلوله داده و سپس عین مال یافت شود که به نظر نگارنده، وی در قبال أخذ بدل حیلوله از مالک، حق حبس عین را دارد) واحد است و این وحدت منشأ معاوضه در شکل‌گیری حق حبس نقش اساسی دارد، اما تقاص ریشه در رابطه داین و مدیون دارد؛ خواه ناشی از رابطه مالی واحد باشد یا نباشد. تفاوت دوم در اثر است. در حق حبس، ذی‌حق مال را در اختیار خویش نگاه می‌دارد بدون اینکه بتواند در آن تصرفی کرده یا در ابتدا تملک نماید، اما در تقاص که نوعی ایقاع است، از لحظه قصد من له حق المقاصه، مال به تملک وی درمی‌آید.

۲. بحث جواز یا منع تقاص در حقوق ایران موضوع مستقلی است که بحث مفصل و مجزا می‌طلبد و نویسنده این سطور فعلاً در مقام طرح یک نظر فقهی است. در خصوص اینکه آیا اکنون نیز می‌توان گفت که مستودع بدون تشریفات امکان تقاص داشته باشد و بتواند وجود مال امانی را نزد خویش انکار کند، محل تأمل جدی است و با فرایند مدون دادرسی امروزی ناهمخوانی‌هایی دارد. به علاوه تدوین مقررات دادرسی مبتنی بر فقه امامیه و عدم پیش‌بینی حق تقاص در این مقررات، مخالفت مقنن با شناسایی این نهاد را تقویت می‌کند، زیرا قانون‌گذار در مقام بیان احکام دادرسی غیر مخالف با اسلام بوده، در این خصوص بیانی ندارد.

**نتیجه**

بیلمنت و چارچوب مفهومی و آثار آن از موضوعات مورد اختلاف در نظام کامن‌لا است و نویسندگان حقوقی به نظر واحدی نرسیده‌اند. این نهاد به‌منظور روان‌سازی زندگی مردم کشورهای کامن‌لا و رفع خلأهایی است که سایر تأسیسات حقوقی قادر به پوشش آنها نبوده‌اند و دارای تحلیل اقتصادی است. رویه قضایی کشورهای کامن‌لا- به‌خصوص انگلیس و امریکا- بیلمنت را به‌عنوان منبع مستقل تعهد پذیرفته‌اند. یکی از ابعاد مورد اختلاف در بیلمنت، آثار آن است و تعیین اینکه مصداقی مشخص در کدام دسته از تقسیمات قرار می‌گیرد، نقش مهمی در تعیین مسئولیت‌های ناشی از آن و تعهدات طرفین به‌خصوص تکلیف به مراقبت امین دارد.

در حقوق امامیه و به تبع آن در حقوق ایران، نهاد ید امانی و آثار آن و نیز تعهدات امین مبتنی بر قواعد اخلاقی- حقوقی کهن و مضبوط و دارای چارچوب مشخص است. قاعده «الامین لایضمن الا بالتعدی او التفريط» در فضای ثبوت مشخص می‌کند که امین تنها در صورت تقصیر ضامن است و قاعده «لیس علی الامین الا الیمین» در فضای اثبات، امین را در جایگاه منکر قرارداده است. از دیگر سو، استقرا در مقررات عقود ناظر بر منافع و انتفاع ما را به صید قاعده «امانی بودن عقود ناظر بر منافع و انتفاع» موفق می‌دارد. با تکیه بر این قاعده اصطیادی، می‌توان گفت در همه عقود ناظر بر منافع و انتفاع، نهاد ید امانی حاکم است.

نهاد ید امانی را می‌توان به‌عنوان یک نظریه در حقوق امامیه و به تبع آن در حقوق ایران مطرح نمود که مشتمل بر چندین قاعده، و حاکم بر عقود متعدد نظیر اجاره، اجباس اربعه، و وقایع حقوقی (نظیر یافتن مال غیراعم از لقطه و ضاله) است.

**منابع و مأخذ****الف) فارسی**

۱. امامی، سید حسن (۱۳۷۷). *حقوق مدنی*. جلد اول. تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
۲. بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰). *حقوق مدنی*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *الفارق*. جلد اول. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۴. حائری شاه‌باغ، سید علی (۱۳۷۶). *شرح قانون مدنی*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۵. کاشانی، سید محمود (۱۳۸۸). *حقوق مدنی- قراردادهای ویژه*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۶. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *میانی حقوق اسلامی*. تهران: انتشارات مجد.
۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۰). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*. قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.

**(ب) عربی**

۱. بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ ق). *القواعد الفقهیه*. قم: نشر الهادی.
۲. حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۳. حلّی، جمال‌الدین (۱۴۰۷ ق). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴. حلّی، علامه (۱۴۱۴ ق). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۵. الزحیلی، وهبه (۲۰۰۸ م). *الفقه الاسلامی وادلتہ*. دمشق: دارالفکر.
۶. عاملی، زین‌الدین [شهید ثانی] (۱۴۱۰ ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه*. قم: کتابفروشی داوری.
۷. عاملی، زین‌الدین [شهید ثانی] (۱۴۱۳ ق). *مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۸. عاملی، سید جواد (۱۴۱۹ ق). *مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۹. مکارم، ناصر (۱۴۱۱ ق). *القواعد الفقهیه*. قم: مدرسه امام امیرالمومنین علیه السلام.
۱۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

**(ج) انگلیسی****- Books**

1. Beatson-Jack, Burrows-Andrew & Cartwright-John (2010). *Anson's Law of Contract*. New York, Oxford University Press.
2. Benjamin-Judah Philip (1998). *Benjamin's Sale of Goods*. London. Sweet & Maxwell Limited.
3. Birks-Peter (2000). *English Private Law*. Oxford University Press.
4. Black-Henry Campbell (2009). *Black's Law Dictionary*. United States, Thomson Reuters.
5. Clarke-Alison & Kohler-Paul (2005). *Property Law Commentary and Materials*. Cambridge, Cambridge University Press.
6. Dobson-Paul (1997). *Charles Worth's Business Law*. London, Sweet & Maxwell, 16th edition, 1997.
7. Emerson- Robert W (2004). *Business Law*. 4<sup>th</sup> edition, US, BARRON'S.
8. McMeel- Gerard (2004). *On the redundancy of the concept of bailment*, New Perspectives on Property Law, Obligations and Restitution, Hudson-Alastair, London, Cavendish Publishing Limited.
9. Keenan-Denis (2001). *Smith & Keenan's English Law*. UK, Longman.
10. Mann & Roberts (1998). *Essentials of Business Law and the Legal Environment*. US, West.
11. Perillo-Joseph M. (2004). *Calamari and Perillo on Contracts*. Eagan- US,



---

Westlaw.

12. *West's Encyclopedia of American Law* (2005). US, Thomson Gale.

**- Articles**

13. Alden-Eric (2016). Rethinking Promissory Estoppel. *Nevada Law Journal*. Vol. 16, 2016, pp. 659- 706.

14. Howe-Zach (2016). Deposits As Debts: The Peculiar Relationship Between Bank And Depositor, *Umkc Lawreview*, Vol. 84, pp. 913- 939.